

برچسب زدن رادوست ندارم و با آن مخالفم

جالشی بر سر موسیقی جنگ و شرایط آن در ایران در گفت و گویا مجید انتظامی



رضا مانجو بی شک تولیدات فاخر سینمای ایران و تلویزیونی جدا از مسائل فنی و تکنیکی سمانها به عصر مهم دیگری برای ماندگاری در حافظه تاریخی سینما و ذهن مردم نیازمند است. برای نمونه وقتی از فیلم «بدرخوانده» نام می‌بریم اولین چیزی که به ذهن منوات می‌شود، موسیقی دلنشین و زیبای است. اهمیت موسیقی فیلم برای اهالی هنر خامه موسیقی و سینما پوشیده نیست. خامه وقتی که سخن از موسیقی فیلم‌های جنگی است مجدداً انتظامی از همه چهره‌های نام آشنای موسیقی جنگ و آهنگساز کارهای ماندگار ایران چون کارگر تا این‌ها را در دلبستگی و درک عمیقی که از فضای جبهه و جنگ آن سال‌ها در او شکل گرفته بر بیان گفت. او که به گفته خودش هنوز هم قلب و کاغذ به آهنگسازی مشغول است و از طرف دیگر یکی از منتقدان جدی ورود نر-افرازهای مختلف آهنگسازی به شمار می‌رود. سازنده موسیقی تپوی پیراهن یوسف به عنوان یکی از گنجینه‌های غنی موسیقی کنستراتل کشورمان هنوز هم با تلاش فراوان راهش را ادامه می‌دهد.

فیلم را رها کرد چرا؟
 اوایل دوره‌ای که سینما را به بخش خصوصی سپردند، دولت نقش تعیین‌کننده‌ای داشت و به بخش خصوصی پاره می‌داد. کم‌کم سوسپانده برداشته شد و بخش خصوصی هم ناگزیر شروع به ساخت فیلم‌هایی کرد که حداقل هزینه‌ها را جبران کند و سود کمی هم داشته باشد. بنابراین سینما قدری نازل شد. من هم احساس کردم موسیقی من دیگر به درد این فیلم‌ها نمی‌خورد. هم چفت و بسط درستی نداشتند و هم مضامینشان نازل شده بود. روایت دختر و پسر که به خاطر مسائل مالی با مشکلات مالی یا هم رقابت می‌کردند و بعد با هم می‌مانند و به هم نمی‌رسند و مشکلاتی پیش‌رویشان ایجاد می‌شد. دیدم موسیقی من نمی‌تواند جواب این نوع سوختن را بدهد. من این روایت را حس نمی‌کردم و از نظر من این فیلم‌ها معضل اجتماع بود. صرفاً ساخته می‌شد تا گیشه خوبی داشته باشد. خودم را به کناری کشیدم، به ندرت فیلم‌های خوبی ساخته می‌شدند و خدا را شکر تعداد آهنگسازها هم زیاد شده بود. از آن‌ها هم فرار نیست هر فیلمی که خوب است در می‌آید موسیقی فیلمش را به من می‌بخشند.

همین‌طور که به جلدی می‌آمدید به علت جنگ فیلم‌ها به این دست‌مخایل دست‌احسانم این‌ها بود که این‌ها با بیشتر و بهتر درک می‌کنند و با آن‌ها فضا هم‌دلی‌پنداری دارم. گوی می‌خواهم از ماره‌های شروع به ساختن یک قطعه یا مسقونی جدید کنید. هنوز هم وقتی بر سر کاری می‌نشینم، انگار اولین کاری است که به من داده‌اند. کار دلبره بسیار عجیبی کار کردن روی آن را آغاز می‌کنم. این‌گونه بود که ۲ تا ۳ دهه در عرصه موسیقی فیلم کار کردم. آخرین کارم هم سریال کلاه پهلوی است که ای‌بوژدو در آن راه عهده من گذاشته‌اند.

مجدید انتظامی پس از مدت‌ها موسیقی

موسیقی تدریس می‌کردم. از آلمان با فوق‌لیسانس آسمد و بعدها درجه یک هنری گرفتم که همان کتر است. ساخت ۲ تا ۴ اثر گذارترین چهره‌ها در مورد موسیقی فیلمی می‌توان به ساخت موسیقی‌های اشاره کرد که شخص ساخت برای فیلم‌های مرتضی با قدس‌فردی ساختند. گرایش شما به این دست‌مخایل واسطه سفارشی‌های بیشتر در این حوزه بودی یا خودتان با مقوله جنگ از رتباط جبهه برقرار می‌کردید؟

موسیقی تدریس می‌کردم. از آلمان با فوق‌لیسانس آسمد و بعدها درجه یک هنری گرفتم که همان کتر است. ساخت ۲ تا ۴ اثر گذارترین چهره‌ها در مورد موسیقی فیلمی می‌توان به ساخت موسیقی‌های اشاره کرد که شخص ساخت برای فیلم‌های مرتضی با قدس‌فردی ساختند. گرایش شما به این دست‌مخایل واسطه سفارشی‌های بیشتر در این حوزه بودی یا خودتان با مقوله جنگ از رتباط جبهه برقرار می‌کردید؟

همین‌طور که به جلدی می‌آمدید به علت جنگ

فیلم‌ها به این دست‌مخایل دست‌احسانم این‌ها بود که این‌ها با بیشتر و بهتر درک می‌کنند و با آن‌ها فضا هم‌دلی‌پنداری دارم. گوی می‌خواهم از ماره‌های شروع به ساختن یک قطعه یا مسقونی جدید کنید.

هنوز هم وقتی بر سر کاری می‌نشینم، انگار اولین کاری است که به من داده‌اند. کار دلبره بسیار عجیبی کار کردن روی آن را آغاز می‌کنم. این‌گونه بود که ۲ تا ۳ دهه در عرصه موسیقی فیلم کار کردم. آخرین کارم هم سریال کلاه پهلوی است که ای‌بوژدو در آن راه عهده من گذاشته‌اند.

مجدید انتظامی پس از مدت‌ها موسیقی

موسیقی تدریس می‌کردم. از آلمان با فوق‌لیسانس آسمد و بعدها درجه یک هنری گرفتم که همان کتر است.

بناظر شما در حوزه‌ای مثل موسیقی که علاوه بر آسمد از کادامیک به عشق و علاقه هم نیاز دارد. مدرک دانشگاهی می‌تواند برای ورود به عرصه آهنگسازی و به‌طور کلی موسیقی راهگشا باشد؟

البته عقیده من موسیقی مدرک نمی‌خواهد. مدرک همان چیزی است که شما ارائه می‌دهید. خیلی‌ها هستند که اسم مدرک می‌دانند ولی کارشان را خوب بلدند. اگر به بی‌مستادان بروید کسایی را می‌بینید که موسیقی‌شان را به بهترین نحو اجرا می‌کنند اما نه در حدی که بتوانند به شما بیاموزند. به عنوان مثال در موسیقی فیلم‌ها این‌ها می‌توانند به شما بیاموزند.

در عرصه موسیقی بعد از انقلاب و در اوایل انقلاب چگونه شد؟

بعد از چند سال کار کردن در ایران انقلاب شد و کسایی که از خارج از ایران جذب از کتر سفونیک شده بودند همه به کشورشان بازگشتند و اکثر ما از ۱۰۰ نفر ۲۰ نفر رسید. موسیقی هم تکلیف خودش می‌داد و هنر سالن و جرم مانده بود کسی هم نداشتند و هنر سابق بورس تحصیلی دریافت شده بود. به بهانه دانشگاه مانده و بعد هم در تهران از فرهنگ و هنر سابق بورس تحصیلی دریافت کردی و برای خود اسم و رسم پیدا کردی. شروع به اجرای کنسرت کردی و با کترهای مختلف همکاری کردی.

کنسرت‌های شما در طول آن سال‌ها بیشتر در چه شهرهایی برگزار می‌شد؟

بیشتر در جنوب فرانسه، لیون، مارسلی و نانسی به‌عنوان بانی‌ساز کنسرت‌ها در این فاصله از کتر سفونیک تهران هم یک گروه بسیار عالی تشکیل از بهترین نوازنده‌های دنیا که برای خود اسم و رسمی داشتند تشکیل داد. بزرگترین کنسرت گروه‌های کتر سفونیک هم برای اجرای کنسرت کردند. آن موقع رهبر هم برنامه با من صحبت کردند و گفتند که بمانی و با کتر سفونیک کنی یا نه. چون آن‌ها یک گروه بودند و با کتر سفونیک هم می‌توانستند در تهران کار کنند و با کتر سفونیک هم می‌توانستند در تهران کار کنند و با کتر سفونیک هم می‌توانستند در تهران کار کنند.

مجموعه دیگری با عنوان این فصل را من بخوان نوشتم. کار یک اپرای کوچک بود که نوازنده‌ها و خواننده‌ها حضور داشتند و پشت سر آنها در یک سطح بالاتر بازی‌هایی با زبان واقع موسیقی اجرا می‌شد. موسیقی و تئاتر را به هم همسرز شده بودند و محصول جالبی به دست می‌آید. ۱۰۰ حساب این کار را انجام دادیم و حساب آخر به علت از حجام جمعیت، در لابی سالن با امکانات تصویرگری که برگزار شده بود کار را به نمایش درآوردند تا کسایی که موفق به ورود به سالن اصلی نشده‌اند، بتوانند از آن نقاط کار را ببینند و ببینند. و پشتند. در ادامه کار دیگری به سفارش بنیاد شهید بود که ۳ موضوع اپنرا، مقاومت و پیروزی را می‌خواستند اجرا کنند و من مقاومت را تصنیف کردم و نوشتم. ضبط و اجرای محتای شد. بنابراین جذب موسیقی صحنه شدم و به‌طور نسبی هر یک یا ۲ سال کنسرت زنده اجرا می‌کردم. آخرین کاری که ارائه دادم از این سری کارها بود که هفته گذشته به اجرای زنده درآمد.

برخورد عمومی با کارهایی که در این سال‌ها یا از کتر انجام داده‌اید چگونه است؟

به این‌گونه کارهایی من دو نوع برخورد می‌شد. عده‌ای مرا محکوم می‌کردند که من یک هنرمند دولتی ام فقط کارهای دولتی انجام می‌دهم و کارهای سفارشی به لحاظ هنری ارزشی ندارد. به نظر این عده همه کسایی که کارهای سفارشی انجام می‌دهند کارهایشان اصلاً مزین و در رویه است و این کارها صرفاً مناسبتی شمای تاگاهی به این کارها در خواسته‌های ناموزنی‌هایی که در این کارها انجام داده‌اند تا به حال در ایران بی‌سابقه بود. بی‌سابقه بود. کارها ۳۰ نوازنده فخر گروه جمعیت بودند. در کار دیگری ما به وسیله اسانده انقلاب را تصنیف کرده بودیم به گونه‌ای که تمام شعارهای انقلابی را سرساز تالار بخش می‌شد و همه گمان می‌کردند، مردم درارت شعری می‌دهند در صورتی که اینها موارد موجود در اصل شعرها کار بودند. «در این فصل را با من بخوان» که کار نمایشی بود نیز بر اثر نوازی و زحمت بود و نگاه من اصلاً به سفارشی یا غیرتلفی بودن کار نیست. من کار خود را با تمام همه‌ها می‌دانم. این‌ها هم می‌تواند یک کارهای تجاری باشد. هر کسی که می‌خواهد کارهای تجاری انجام دهد، باید با تمام همه‌ها کار کند. این‌ها هم می‌تواند یک کارهای تجاری باشد. هر کسی که می‌خواهد کارهای تجاری انجام دهد، باید با تمام همه‌ها کار کند.

چون شما صرفاً به موسیقی فیلم‌ها محدود می‌شدید؟

چون شما صرفاً به موسیقی فیلم‌ها محدود می‌شدید؟

چون شما صرفاً به موسیقی فیلم‌ها محدود می‌شدید؟

چون شما صرفاً به موسیقی فیلم‌ها محدود می‌شدید؟

چون شما صرفاً به موسیقی فیلم‌ها محدود می‌شدید؟

چون شما صرفاً به موسیقی فیلم‌ها محدود می‌شدید؟